



شاخصه‌های عرفانی بانوی انقلابی^۱

امل بحرانی‌پور^۲

چکیده

با توجه به تحقیق انجام شده بانوی عارف انقلابی از دو دیدگاه "انقلابی بودن" و "عارف بودن" مورد بررسی قرار گرفت و با تلفیق این دو ویژگی، شاخصه‌های عرفانی بانوی انقلابی به این صورت تبیین گردید. یاد همیشگی خدا و اخلاص در عمل، امید بستن و توکل به خداوند متعال، ولایت‌مداری در فکر و عمل و اتصال به امامان معصوم علیهم‌السلام، دوری از فرقه‌گرایی و شهرت و نام، خودسازی و تهذیب نفس، انجام ریاضت‌های شرعی و تهجد، محبت به همه انسانها و احترام به انسانیت، دعوت به اجتماع و تعاون و ایثار، خوشبین بودن و زیبا دیدن همه چیز، تدبیر صحیح منزل و نظم در زندگی، رعایت اعتدال و دوری از مصرف‌گرایی، داشتن فعالیت فرهنگی و علمی، اشتغال به تحصیل، استفاده از وقت و مطالعه مداوم، تفکر و تعقل و توجه، صراحت بیان، صبر و حلم در برابر ناملایمات و سعه صدر، جرات و پشتکار، بی‌اعتنایی به مرگ، مبارزه با عرفان‌های کاذب و دفاع از عرفان شیعی را و آن از شاخص‌های بانوی عارف انقلابی دانست.

واژگان کلیدی: بانوی عارف، بانوی انقلابی، یاد خدا، ایثار، ریاضت شرعی، سیر

و سلوک.

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۷.

۲. کارشناسی ارشد تاریخ تشیع و مدرس جامعه المصطفی علیه‌السلام العالمیه/

مقدمه

این مقاله با اقتباس از بیاناتی که مقام معظم رهبری در مورد شاخص‌های انقلابی بودن یک فرد بیان فرمودند، نگاشته شده است. (۱۳۹۵/۳/۱۴). از دیدگاه ایشان فرد انقلابی باید "پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب" داشته باشد که خود به محورهایی مانند پایبندی به اسلام ناب، محور بودن مردم، اعتقاد به پیشرفت، تحول، حمایت از محرومان و پرهیز از عمل‌گرایی افراطی تقسیم می‌شود.

شاخص بعدی را ایشان "پرهیز از تبلی و محافظه‌کاری و ناامیدی" و "تسلیم نشدن در برابر فشارها" و "حرکت به سمت پیشرفت و رضایت ندادن به وضع موجود" بیان فرمودند. و شاخص دیگر از نظر ایشان "داشتن تقوای دینی و سیاسی" است. و باتوجه به اینکه موضوع این مقاله شاخص‌های عرفانی بانوی انقلابی می‌باشد، باید گفت که یکی از مهم‌ترین علل و عوامل روی آوردن بشر این قرن به سوی دین و معنویت پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. و شاید بتوان آن را مهم‌ترین عامل نیز قلمداد کرد. (ر.ک: حاجتی، ۱۳۸۳)

چون همه اندیشمندان و متفکران دنیا و بسیاری از مردم با چشم خود دیدند انقلابی که با نام دین و اسلام و معنویت از دههٔ چهل شروع شد با وجود همهٔ مخالفت‌ها و محدودیت‌ها در اواخر دههٔ پنجاه به پیروزی رسید و پس از آن نیز دشمنان این نظام از هیچ تلاشی در جهت نابودی آن دریغ نکردند و تاکنون چهل سال از این انقلاب معنوی می‌گذرد. رهبر فرزانه و حکیم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند که ویژگی این دوره سر برآوردن ارزش‌های معنوی و الهی است و قرن حاضر قرن گرایش عمومی بشریت به معنویت و دین است. (حاجتی، ۱۳۸۸: ۵۷، ۵۶) به هر حال، استقامت و پایداری مردم ایران در راه اسلام و دین و نقش پررنگ بانوان انقلابی یکی از مهم‌ترین علل و عوامل احیای موج جدید معنویت خواهی در میان بشر این عصر است. و این نکته مهم را باید در نظر گرفت که هر جریان فکری، جدا از اوضاع اجتماعی و اقتصادی حاکم بر آن نیست، راهیابی بانوان انقلابی به دنیای عرفان نیز قطعاً تحت تأثیر انقلاب

اسلامی و اوضاع اجتماعی کنونی بوده است و البته در اسلام، کمال معنوی وابسته به جنسیت نیست و این نگاه فراجنسیتی؛ به‌ویژه در عرفان به روشنی قابل مشاهده است که براساس شواهد تاریخی و آنچه به‌طور پراکنده در تذکره‌ها آمده است، می‌توان به تلاش‌های زنان عارف پی برد. (ر.ک: سویزی، ۱۳۸۵: بحث دوّم)

اما در رأس تمام زنان عارف انقلابی، حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد که به حقیقت هم بزرگ‌ترین بانوی عارف بودند و هم با ارائه خطبه فدکیه و دفاع از ولایت و حقانیت امام علی علیه السلام به عنوان مهم‌ترین بانوی انقلابی تاریخ اسلام شمرده می‌شوند. بنابراین بهترین الگو برای یک بانوی عارف انقلابی باید حضرت زهرا علیها السلام باشند و اگر بانوان ما با عرفان فاطمی آشنا شوند دیگر هرگز گرفتار عرفان‌های نوظهور و کاذب قرار نخواهند گرفت. حال با توجه به اینکه زندگی عارفانه، ارتباط بین عابد و معبود یا خالق و مخلوق از طریق طی مقامات معنوی و گذراندن مراحل سیر و سلوک مسیر می‌گردد و با تأکید بر کشف و شهود و ریاضت و تزکیه نفس می‌باشد؛ شاخصه‌های بانوی عارف انقلابی، در این مقاله به اینصورت تبیین شده است.

۱. یاد همیشگی خدا و اخلاص در عمل

بانوی عارف انقلابی همواره خود را در محضر حق می‌بیند و خوف و ترس او فقط برای خداست. همیشه مراقب است که مبدا از دستورات خداوند سرپیچی نماید. او مدام در حال ذکر است. البته ذکر مدام به این معنا نیست که همیشه تسبیحی در دست دارد و با زبان ذکر می‌گوید، چون ذکر زبانی پایین‌ترین درجه ذکر است. بالاتر از آن ذکر ذهنی است به این معنا که به محتوای ذکر بیندیشد و بالاتر از آن ذکر قلبی است که همواره به یاد خدا باشد و همه فعالیت‌های او در مسیر حق قرار گیرد (موسوی مطلق، ۱۳۸۹: ۷۴ تا ۷۹) که درچنین حالتی است که خواب و بیداری او، روزه و افطار او، سکوت و گفتار او، قیام و قعود او، همسررداری و بچه‌داری او و تمام کارهای او ذکر حق می‌شود.

بانوی عارف انقلابی آرام آرام به نقطه‌ای می‌رسد که نسبت به هیچ چیز غیر از خدا انس ندارد و همواره به یاد خداست. البته با اشیاء یا اشخاصی که او را به یاد خدا می‌اندازند، مأنوس است و این انس، عین انس به خداست. بنابراین بانوی عارف انقلابی به پیروی از عرفای بزرگ اشتغال به ذکر الهی را غایت آمال سالکان می‌داند و به آن اهتمام زیادی می‌ورزد. (عرب، ۱۳۸۸: ۱۴۹)

۲. انجام ریاضت‌های شرعی و تهجد و شب زنده‌داری

بانوی عارف انقلابی به‌خوبی می‌داند که رسیدن به کمال و سعادت نهایی بدون ریاضت و تمرین‌های سخت جسمی و روحی و چشم‌پوشی از برخی خواسته‌ها و امیال جسمانی و شهوانی امکان‌پذیر نیست. این حقیقتی است که قرآن مجید بر آن تأکید دارد و می‌فرماید که کسی به نیکویی دست نمی‌یابد مگر اینکه از بهترین تعلقاتش بگذرد. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (بقره: ۹۲) که این خود نوعی ریاضت است. دل‌کندن از محبوب و تعلقات کاری بسیار دشوار و سخت است و ریاضت بزرگی است.

در مورد شب زنده‌داری و تهجد هم که مورد تأکید همه عارفان حقیقی بوده است به دلیل مجبور کردن نفس به انجام کاری است که به آن علاقه ندارد. به همین دلیل است که نقطه عطف بزرگ در زندگی بسیاری از عرفا با یک گذشت بزرگ یا زیر پا گذاشتن خواهش نفسانی بزرگ صورت گرفته است. (امینی-نژاد، ۱۳۹۰: بحث دوم) به قول حافظ؛

این همه شهد و شکر کز سخنم می‌ریزد / اجر صبری است کز آن شاخ نباتم دادند
 اما یک بانوی عارف انقلابی به‌خوبی می‌داند که ریاضتی می‌تواند او را به هدف برساند که مورد تأیید عقل و شرع باشد. درباره ریاضت‌های شرعی نیز در حقیقت می‌توان گفت که عمل کردن به تکالیف شرعی خود نوعی ریاضت روحی و جسمی است. عمل به دستورات اخلاقی و اجتماعی اسلام، زحمت و ریاضت و تمرین نیاز دارد و هرکسی نمی‌تواند حق این احکام و ارزش‌ها را به درستی ادا کند. پرهیز از غیبت، دروغ، تهمت، گناه، حتی مکروهات و انجام

واجبات و مستحبات کار هرکسی نیست. روزه‌داری در غیر از ایام مبارک رمضان، شب زنده‌داری و سکوت، ریاضت‌هایی است که کمتر کسی موفق به انجام آن‌ها می‌شود. (ابن عربی، ۱۳۸۲: ۸۴-۹۰) و این‌ها بهترین راه ریاضت حقیقی هستند. بانوی عارف انقلابی نیز فقط از این راه ریاضت می‌کشد و هرگز تن به کارهای خلاف رضایت خداوند نمی‌زند.

برخی از بزرگان عارف نیز به این ریاضت‌های شرعی تأکید کرده‌اند، از جمله ابوالعباس سیاری می‌فرماید: مرید به چه ریاضت کند؟ گفت: "به صبر کردن بر امرهای شرع و عدل و از مناهی باز ایستادن و صحبت با صالحان کردن" (ر.ک: تذکره الاولیاء، ۸۱۰)

الیه راه سیر و سلوک یک قدم بیشتر نیست و آن "بندگی کردن" است. استاد بزرگوار آیت‌الله مصباح‌یزدی می‌فرماید: راه سیر و سلوک در کلمه "عبادت" خلاصه می‌شود. (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۶: ۲۱۷) اما برای تحقق عبودیت اولین کاری که انسان باید انجام دهد این است که به مقام "توحید افعالی" برسد. یعنی اراده خود را کاملاً تابع اراده الهی نماید و سپس به مقام "توحید صفاتی" برسد به این معنا که همه کمالات خود را حقیقتاً از خدا بداند و به او نسبت دهد و بعد از آن به "توحید ذاتی" برسد به این معنا که حقیقتاً هستی خود را از خدای متعال بداند. (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۶: ۲۱۸) البته این مراحل با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود همراه است و بانوی عارف سالک و انقلابی برای رسیدن به چنین درک و شهودی نیازمند ریاضت‌های طولانی و دشوار است.

۳. امید بستن و توکل به خداوند متعال

بانوی عارف انقلابی در عین محبت عام به همه خلق خداوند و عشق به خدمت به همه انسان‌ها، هرگز به مردم تکیه نمی‌کند و در مقابل این محبت، هیچ طلب و توقعی از مردم ندارد. بانوی عارف حقیقی به این درجه از درک می‌رسد که مردم هیچ کاره هستند و فاعل حقیقی خدا است و در نتیجه تنها به او امید می‌بندد و چون بانوی عارف به این درجه از درک و آگاهی می‌رسد،

تحمل جفای خلق نیز بر او آسان می‌شود. (ر.ک: بهاری همدانی، ۱۳۶۱: ۱۰۸، ۱۰۷) البته تحمل جفای خلق ملازم با ظلم‌پذیری نیست.

او تنها به خداوند توکل می‌کند و تمام امورات خود را به خداوند وا می‌گذارد، چون خداوند را بالاترین عالم و قادر و خیرخواه خود می‌داند. بعد از آن تقدیر الهی به هر چه تعلق گرفت راضی و خرسند می‌شود. لذا خداوند می‌فرماید: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (مجادله: ۱۰) و بنده‌ای که اعتقاد و اعتماد به خداوند دارد محبوب خدا می‌شود. «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹) بانوی عارف انقلابی می‌داند که اگر به خدا توکل کند دیگر به غیر او نیازی ندارد و هر تکیه‌گاه دیگری متزلزل است. البته این توکل به معنای دست از کار کشیدن و شانه از بار مسئولیت خالی کردن و منتظر تقدیر الهی نشستن نیست. بلکه بانوی عارف باید تمام تلاش و تدبیرش را در حسن انجام امور به کار گیرد، اما خود و همه علل و عوامل طبیعی را جز واسطه اراده الهی نمی‌بیند و همه را منحصر در اراده او و محکوم به حکم او می‌بیند. بانوی متوکل وظیفه‌اش را انجام می‌دهد و نگران نتیجه نیست، او به چنان بلوغی رسیده است که به توانایی‌ها و امکانات ناچیز خود دلخوش نیست، بلکه در همه حال به قدرت و لطف بیکران حق تکیه دارد (فنائی اشکوری، ۱۳۸۸: ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۸۵)

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافرست راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدهش

۴. ولایت‌مداری در فکر و عمل

روح عرفان "ولایت" است و جوهره وجودی عارف بر ولایت تعلق گرفته است (سویزی، ۱۳۸۹: ۴۷) اگر مسأله امام‌شناسی بالا رود، خداشناسی هم بالا خواهد رفت زیرا چه آیت و نشانه‌ای بالاتر از امام وجود دارد. امام آینه‌ای است که حقیقت تمام عالم را نشان می‌دهد.

آیت‌الله بهجت می‌فرماید: «نجات برای کسی است که اهل بیت علیهم‌السلام را در همه جا حاضر ببیند از محبت اهل بیت نباید دست برداشت. همه چیز در محبت این بزرگواران است» (ر.ک: بهجت، ۱۳۸۸: ۱۷-۲۰)

در حقیقت در فضای عرفانی معنویت شیعه، با تأکید بر پیام باطنی قرآن و تعالیم امامان علیهم‌السلام، عنصر معنوی نیرومندی وجود دارد. بسیاری از دعاهایی که شیعیان می‌خوانند مانند دعای کمیل و صحیفه سجادیه، ماهیت معنوی و باطنی فراوانی وجود دارد که از طرف امامان معصوم علیهم‌السلام به ما رسیده است. (نصر، ۱۳۹۰: ۴۲۵)

یک بانوی عارف انقلابی ولایت را در فکر و عمل خود بدست می‌آورد زیرا "ولایت" رشته‌ای است متصل، و ی است که گوهر وجود عارفان بدان متصل می‌شود. و اما وظیفه‌ای که امروز برای خود واجب می‌داند دفاع از ولایت فقیه است که یک بانوی انقلابی باید آن را یکی از مسئولیت‌های مهم خود بداند چون با دفاع از ولایت فقیه است که قوانین اسلامی می‌تواند در جامعه جریان پیدا کنند و جامعه به سعادت اخروی برسد.

۵. خودسازی و تهذیب نفس

از ویژگی‌های دیگر بانوی عارف انقلابی این است که به شدت دنبال خودسازی و تهذیب نفس خویش است و در عین محبت عام نسبت به همهٔ عالمیان و انسان‌ها، به شدت مراقب و مواظب خویش است. به همین دلیل هرگز به وضع موجود قانع نیست و دائماً در اندیشهٔ بهتر کردن اوضاع درونی خود می‌باشد. بانوی عارف انقلابی همواره به این توصیه قرآن عمل می‌کند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ...» (مائده: ۱۰۵) به همین دلیل بی‌جهت خود را مصرف نمی‌کند، نگاه خود را به هر جایی نمی‌دوزد، زبان خود را به هرسخنی نمی‌گشاید و گوش خود را به هر گفته و گوینده‌ای نمی‌سپارد و شکم خود را با هر غذایی پر نمی‌کند و نسبت به همهٔ ورودی‌ها و خروجی‌های قوای ادراکی خود به شدت حساس است، در عین حال دچار غرور و بزرگ‌بینی نمی‌شود، بلکه همیشه خود را از دیگران پست‌تر و پایین‌تر می‌بیند.

۶. دوری از فرقه‌گرایی و شهرت

یکی دیگر از شاخصه‌های بانوی عارف انقلابی این است که باید از فرقه‌گرایی و تفکرات فرقه‌ای به دور باشد. مباحث عرفانی زمینه‌ساز را برای پیدایش فرقه‌های مختلف پدید می‌آورد. بسیاری از مردم وقتی کار خارق‌العاده‌ای از فردی می‌بینند چون توان تحلیل چنین کارهایی را ندارند، آن را نشانه و دلیل حقانیت رفتار و گفتار آن فرد نیز می‌پندارند، به همین دلیل علاقه‌ای عاطفی و قلبی نسبت به چنین افرادی پیدا می‌کنند که این خود زمینه‌ساز ایجاد فرقه‌های جدید را فراهم می‌آورد. زنان نیز چون از لحاظ مهر و عاطفه و احساس بسیار قوی هستند زودتر تحت‌تأثیر این فرقه‌ها قرار می‌گیرند. یک بانوی انقلابی نه تنها نباید تحت‌تأثیر این فرقه‌ها قرار گیرد، نباید دیگران را نیز به سوی خود بخواند و دعوت نماید و دنبال شهرت و نام و اسم و رسم باشد بلکه فقط مردم را باید به سوی خدا و اسلام دعوت کند بنابراین بانوی عارف انقلابی وقتی به گوهر راستین عرفان دست یافت، اهل تظاهر و به دنبال نام و عنوان نمی‌گردد. او همواره از مراسم و آداب خاصی که نشانه‌ساز صوفیان است، دوری می‌کند و آن را خلاف حقیقت عرفان می‌داند (بهارى همدانى، ۱۳۶۱: ۸۱ و ۸۲)

باتوجه به اینکه عرفان رابطه‌ای میان بنده و خداست و هیچ کس جز این دو نمی‌تواند از این رابطه و کیفیت آن آگاهی داشته باشد بنابراین بانوی عارف حقیقی هرگز برای دلخوشی عوام‌الناس اسرار نهانی خود را با خدا فاش نمی‌سازد.

هر که را اسرار حق آموختند مهر کردند و زبانش دوختند

همچنین عارف حقیقی از سخنان دو پهلو و مبهم می‌پرهیزد و به صدق و صراحت مقید است هرگز به بهانه‌ی اینکه زبان عرفان، زبانی خاص است سخنان چند پهلو به زبان نمی‌آورد و باعث سوء استفاده دیگران نمی‌شود. همانطور که پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام ما چنین بودند و هرگز به گونه‌ای سخن نمی‌گفتند یا به شکلی رفتار نمی‌کردند که هرکسی برداشتی متناسب با میل خود از

گفتار و رفتار آنان داشته باشد تا به این طریق بتوانند شهرتی بدست آورند. (شریفی، ۱۳۹۱: ۱۱۳)

۲. محبت به همه انسان‌ها و احترام به انسانیت

از دیگر شاخص‌های بانوی عارف انقلابی این است که به انسان‌های دیگر با دیده محبت و عشق می‌نگرد و به همان میزان که به فکر سعادت خود می‌باشد برای هدایت و سعادت دیگران تلاش می‌کند. زبان تمام پیامبران بعد از آنکه از سوی قوم خود با انکار و مخالفت روبرو می‌شدند این بود که «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» این نشان‌دهنده نهایت محبت و عشق پیامبران به مردم است هرچند که مورد مخالفت و تمسخر مردم قرار می‌گرفتند اما باز هم برای هدایت آنان دست به دعا برمی‌داشتند. قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعراء: ۳) اهتمام و توجه به امور مردم از جمله توصیه‌های مؤکد اسلام است که مورد توجه جدی بانوی عارف انقلابی باید باشد. یک بانوی عارف انقلابی همیشه احساس مسئولیت دارد و این مسئولیت مختص به هم‌کیشان و هم‌مسلمانان او نیست. او هر جا که ظلمی را علیه انسانی مشاهده می‌کند در حدّ توان می‌کوشد و با آن مبارزه می‌نماید. یکی از سفارش‌های امام عارفان، علی بن ابی‌طالب علیه السلام به فرزندان و همه پیروانش این بود که «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج البلاغه، نامه ۴۷) با ستمکار در پیکار باشید و با ستم‌دیده یار باشید.

بانوی عارف انقلابی هرگز در برابر زشتی‌ها و حق‌کشی‌ها آرام نمی‌نشیند و با هر وسیله‌ای که بتواند از سخنرانی، تبلیغ و... به مبارزه با ظلم برمی‌خیزد.

پیامبر ﷺ محبت نسبت به مردم را نصف ایمان دانسته‌اند. (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ۱۰۸) و امام علی علیه السلام نیز آن را به عنوان نصف عقل توصیف می‌کند. (مجلسی، ج ۷۱، کتاب العشره، ۱۶۸، باب ۱۰، ح ۳۵)

البته این نکته را باید یادآوری کرد که تصور اغلب مردم از بشر دوستی توجه به مسائل مادی و رفاهی آنان است و حتی برخی از نویسندگان در این مورد

گفته‌اند "بشر دوستی عبارت از در نظر گرفتن حقوق مردم و سعی در رفاه حال آنان است (هدفیلد، ۱۳۷۴) ولی بسیار روشن است که نه "امور مردم" منحصر در امور مادی و رفاهی است و نه سودرسانی و خدمت آنان منحصر در خدمات و منافع مادی است، بلکه امور معنوی و خدمات روحانی به مردم از اهمیت بیشتر و اساسی‌تری برخوردار است. بنابراین، کسانی که در جهت هدایت روحی و معنوی مردم و ترویج و تعلیم معارف الهی و گسترش علمی و عملی توحید در سطح جامعه گام برمی‌دارند، سودمندی آن‌ها برای مردم به مراتب بیشتر از سود مادی و دنیوی است که یک بانوی عارف انقلابی به این مسائل توجه کامل دارد.

بنابراین مسلمانی که صرفاً در بند منافع و مصالح خویش باشد و دغدغه سایر مسلمانان را نداشته باشد در حقیقت تفاوتی با نامسلمانان ندارد. (اسفندیاری، ۱۳۷۵: ۹۸، ۹۹) بانوی عارف انقلابی کاملاً به این مسأله واقف است که محبت او به مردم در حد گفتار نیست؛ بلکه در عمل و رفتار نمود دارد و جهت برآورده کردن نیازمندی‌های دیگران بسیار می‌کوشد.

۸. دعوت به اجتماع و تعاون و ایثار

از شاخصه‌های دیگر بانوی عارف انقلابی دعوت به اجتماع و تعاون و ایثار است. خداوند اجتماع و جماعت را دوست دارد. قدرت و قوت انسان‌ها را در اجتماع می‌بیند چه آنکه از اساس هم با فطرت و ذات انسانی که اجتماعی است، تناسب دارد. خداوند می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل- عمران: ۱۰۳) حال مناسب اجتماع نیز تعاون و همکاری است و معاشرت با خلق است که بانوی عارف انقلابی در معاشرت خود با دیگران در سه سطح می‌تواند حضور داشته باشد. سطح اول؛ رعایت انصاف سطح دوم؛ رعایت احسان؛ سطح سوم؛ ایثار، بدیهی است در سطح اول که انصاف است صحبت از حساب و کتاب است، اما در سطح دوم که احسان است، صحبت از اغماض و چشم پوشی از "منافع خود" است اما در سطح سوم که ایثار است صحبت از

اغماض از "سرمایه خود" می‌باشد. بدیهی است بین اغماض از "منافع خود" تا اغماض از "سرمایه خود" فاصله بسیار زیادی است (سویزی، ۱۳۸۹: ۵۵، ۵۶). بانوی عارف در تعالیم ربانی عرفان می‌آموزد که خود را در سطح عالی‌ترین گذشت‌ها که همان ایثار است، نگاه دارد. در فرازی امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «غایَةُ الْمَكَارِمِ الْإِثَارُ» (الحیات، ۲۴۱) غایت مکارم فضیلت‌های اخلاق، ایثار است.

۹. خوشبین بودن و زیبا دیدن همه چیز

بانوی عارف انقلابی چون عالم را محضر خدا می‌داند، تحمل درد و رنج برای او آسان است و یا آنچه را که دیگران درد و رنج می‌پندارند، او زیبایی و لذت و سرور می‌بیند، به عنوان نمونه وقتی ابن‌زبید ملعون در مجلس خود خطاب به حضرت زینب علیها السلام گفت که دیدی خداوند چه بلایی سر شما آورد آن حضرت پاسخ داد "والله مارایت الا جمیلاً" به خدا سوگند من جز زیبایی ندیدم. (شریفی، ۱۳۹۱: ۱۳۳) این درحالی بود که مصیبت‌هایی که حضرت زینب علیها السلام از بعد از ظهر عاشورا به بعد تحمل کردند، برای بسیاری از انسان‌های عادی غیرقابل تحمل است، اما آن حضرت، باوجود تمام این مصایب می‌فرماید که همه این‌ها زیبا بود. چون سعه‌صدر و وسعت روان و ظرفیت روح و قدرت تاب و تحمل خود را آنقدر افزایش داده بودند که توانستند ادامه‌دهنده قیام و انقلاب امام حسین علیه السلام شوند. آری روح ایشان چنان وسعتی یافت که هیچ چیز قدرت خارج کردنش را از مسیر تعادل و توازن نداشت. و در برابر همه سختی‌ها سجده شکر بجا آوردند و به‌راستی که بانوی عارف انقلابی باید الگوی خود را شیوه و منش حضرت زینب علیها السلام قرار دهد.

۱۰. تدبیر صحیح منزل و نظم در زندگی

اهمیت خانه و خانواده برکسی پوشیده نیست. محوریت و نقش حیاتی و زیربنایی آن در تربیت نسل، سامان‌بخشی به فکر و اعصاب افراد خانواده و از آن جمله مرد، و تشکیل هسته اصلی جامعه، روشن است. کودک نخستین و

اساسی‌ترین درس‌های زندگی را در این نهاد کسب می‌کند، فداکاری، محبت، عشق، آداب و رسوم، مراسم فرهنگی و دینی، وظایف و مسئولیت‌پذیری را در خانواده می‌آموزد، محیط خانواده در تشکیل شخصیت کودک و نوجوان مؤثر است و تأمین سلامت فردی و اجتماعی بدون در نظر گرفتن نقش خانواده، امکان‌پذیر نیست. خانواده می‌تواند عامل سازنده کودک در زمینه جسمی، روانی، عاطفی، ذهنی و... باشد. (ر.ک: حکیمی، ۱۳۸۷: ۵۸-۶۰) بانوی عارف انقلابی به کانون خانواده بسیار اهمیت می‌دهد و در عین حال که به تهذیب نفس و مراقبت معنوی از خود می‌پردازد در حفظ خانواده و تدبیر منزل نیز بسیار کوشا است.

بنابراین بانوی عارف انقلابی دو نقش اساسی در خانواده دارد. نخست آنکه سازنده مجدد شخصیت، توانایی و کارآرایی مفید مرد است، آرامش و سکونی را که زن به مرد می‌بخشد با هیچ شیوه و ابزاری نمی‌توان پدید آورد. سکون، آرامش عمیقی است که مردان در کنار زنان و در آغوش خانواده می‌یابند و اضطراب‌ها و نگرانی‌ها و سرگردانی‌ها از محیط اندیشه و زندگی مردان خارج می‌شود، بنابراین کارآرایی مردان و ایفای نقش درست در جامعه و دیگر انتظاراتی که از مردان وجود دارد، در پرتو خانواده و در کنار همسران به فعلیت می‌رسد و شکوفا می‌گردد. (حکیمی، ۱۳۸۷: ۶۷ و ۶۶)، و این نقش همسری یک بانوی عارف انقلابی است. و نقش بعدی او "نقش مادری" است. مقام معظم رهبری با تأکید بر جایگاه "مادری" آن را وظیفه اصلی و حق زن می‌داند و می‌فرماید "من می‌گویم مهم‌ترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت می‌تواند ایفا کند، آن نقشی است که به عنوان یک مادر و به عنوان یک همسر می‌تواند ایفا کند، این از همه کارهای دیگر او مهم‌تر است.

همچنین می‌فرماید: "زن با نقاط قوت زنانه خود - که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته و مخصوص زن است - همراه با ایمان عمیق، همراه با استقرار ناشی از اتکا به خداوند و همراه با عفت و پاکدامنی - که فضای پیرامون او را نورانیت می‌بخشد- می‌تواند در جامعه یک نقش استثنایی اینگونه ایفا کند؛

هیچ مردی قادر به ایفای چنین نقشی نیست؛ مثل کوه استواری از ایمان، در عین حال مثل چشمه جوشانی از عاطفه و محبت و احساسات زنانه، تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه صبر و حوصله و عاطفه خود سیراب کند، اگر زن با این خصوصیات در عالم وجود نبود، انسانیت معنا پیدا نمی‌کرد (سایت معاونت امور زنان و خانواده، ۱۳۹۴).

۱.۱. رعایت اعتدال و دوری از مصرف‌گرایی

تمدن مدرن یکی از عوامل مهم غفلت آدمیان از اصلی‌ترین ساحت وجودی خود یعنی روح ملکوتی و در نتیجه فروپاشی بنیادهای اخلاق و معنویت در جهان معاصر بوده است.

یکی از ترفندهای غرب و البته عرفان‌های نوظهور این است که ساده‌زیستی را از مسلمانان بگیرند و آن‌ها را مصرف‌گرا تربیت نمایند. و در این مسیر بهترین قشری که می‌توانند در جهت پیشبرد این عرفان‌ها کمک نمایند، بانوان هستند چون بانوان در جایگاه و نقش همسران و مادران، به‌خوبی می‌توانند ساده‌زیستی اسلامی را برگزینند یا اینکه متمایل به مدگرایی و مصرف‌گرایی افراطی گردند، درحالی‌که یک بانوی عارف انقلابی نباید در دام این تفکر اشتباه گرفتار شود و باید در زندگی خود و خانواده خویش بر ساده‌زیستی تأکید نماید و به این‌باور اعتقاد پیدا کند و سیره پیامبر ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام را مدنظر داشته باشد. (شیخ - زاده، ۱۳۸۸: ۴۸، ۴۹، ۵۰)

۱.۲. استفاده از وقت و مطالعه مداوم (فعالیت فرهنگی و علمی)

روشن‌ترین موضوعات در اسلام، جانبداری اصولی از رشد علم و گسترش آموزش و دانایی در سطح جامعه است؛ بدون اینکه تمایزی بین افراد و طبقات جامعه باشد. در بسیاری از آموزش‌ها، چون آموزش اصول اعتقادات و احکام شرعی که زنان باید بدانند، اجازه شوهر شرط نیست چون دیگر اعمال تکلیفی، که منع همسر در آن تأثیر ندارد. بانوی عارف انقلابی به‌خوبی از وقت گرانبهای خود بهره می‌گیرد و به مطالعه مداوم اشتغال دارد و همیشه در حال حرکت به

سوی پیشرفت است. در دیدگاه مقام معظم رهبری نیز، مناسب‌ترین زمینه برای فعالیت اجتماعی زنان، عرصه‌های علمی است. ایشان می‌فرمایند: "کارهای دانشگاهی و علمی از هر نوعش برای زن مناسب است. زن اگر بخواهد استاد شده، تعلیم و تدریس کند، کتاب بنویسد، کارهای فرهنگی بکند، در هر رشته‌ای که باشد فرق نمی‌کند، چه رشته علمی محض باشد، چه رشته‌های علوم انسانی، تجربی و دینی باشد، تفاوتی نمی‌کند" از نظر ایشان زنان باید به اندازه مردان اعتلای فکری و قدرت تحلیل پیدا کنند "برترین زنان تاریخ کسانی هستند که از خودشان خرد، اراده، تصمیم درست و شخصیت انسانی نشان داده‌اند" زنان باید به خود باوری برسند و شخصیت واقعی‌شان را اظهار کنند، جامعه زنان باید کار فرهنگی را در اولویت خود قرار دهند و دادن شناخت و آگاهی به قشر زنان، آن‌ها را در برابر تهاجم فرهنگی دشمن مقاوم می‌سازد. زن‌ها هستند که باید نگاه غلطی را که نسبت به زنان و مسائل مربوط به جنسیت وجود دارند، تصحیح کنند" خانم‌های باسواد و تحصیل‌کرده، خانم‌های اهل معرفت که باید وارد یک میدان مبارزه صحیح برای مسأله زن بشوند، به نظر من کوتاهی می‌کنند.

۱۳. مرگ اندیشی

مرگ اندیشی، یکی دیگر از شاخص‌های بانوی عارف انقلابی است. او همیشه در اندیشه پایان زندگی دنیایی خود است و لحظه‌ای از یاد مرگ غافل نمی‌شود، به همین دلیل هرگز کار امروز خود را به فردا واگذار نمی‌کند. اگر غفلتی از او سر بزند بلافاصله توبه می‌کند. یکی از ثمرات مرگ اندیشی عارفانه نشاط در زندگی است و علامت اوج عقلانیت و هوشیاری او می‌باشد، چراکه با اندیشیدن به آخرت، کار و فعالیت او بیشتر و بهتر و دقیق‌تر می‌شود و به محاسبه و مراقبه بیشتر و عمیق‌تر خود می‌پردازد، مرگ اندیشی یک بانوی عارف انقلابی معلول شوق و عشق او نسبت به لقای محبوب و معشوق است، چراکه مرگ را به معنای پایان دوران فراق از خداوند و رسیدن به فوز و فلاح نهایی می‌داند.

مرگ برای یک بانوی عارف انقلابی جز عبور از یک منزل ویران و رسیدن به منزل جانان معنایی ندارد برای همین نه تنها ترس و وحشتی از مرگ ندارد که روز مرگ را روز شادی و نشاط و خرمی خود می‌داند.

بزرگان عارف به آخرت اهتمام خاصی داشتند از جمله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می‌فرمایند: سالک باید همواره خواب را برادر مرگ بداند و هرشب آمادگی این پدیده را در دل داشته باشد، با تجدید عهد و ایمان خود، وضو ساخته رو به قبله با یاد و نام خدا به بستر برود. (کاظمی خوانساری، ۱۳۸۸: ۱۵)

بنابراین بانوی عارف انقلابی با درک صحیح حقایق هستی، مرگ برایش از راز آلودگی همراه با هیبت و ترس خارج می‌شود و او که با "مرگ اختیاری" خود را از قفس بایدها و نبایدهای تن و دنیا خارج کرده، "مرگ اجباری" که ما را از قفس دنیا می‌رهاند برایش نامانوس و وحشت‌زا نیست، همچنانکه دنیا برایش چندان جذاب و جاودانه نیست. (سویزی، ۱۳۸۹: ۶۴ و ۶۵)

۱۴. مبارزه با عرفان‌های کاذب و دفاع از عرفان شیعی

معنویت شیعی نه تنها داعیه تأمین سعادت اخروی همه انسان‌ها می‌باشد، بلکه با پیوند زدن سعادت اخروی و سعادت دنیوی، برای اداره عادلانه دنیای افراد و جوامع نیز برنامه دارد. معنویت شیعی همه حرکات و سکنتات انسان را با توجه به سعادت یا شقاوت اخروی او ارزش‌گذاری می‌کند. معنویت که به همه ابعاد و ساحت‌های وجودی انسان می‌پردازد و هیچ کدام را فدای دیگری نمی‌کند؛ نه سیاست را فدای اخلاق می‌کند و نه اخلاق را فدای سیاست، نه فرد را فدای جامعه می‌کند و نه جامعه را فدای فرد می‌نماید. دشمنان تشیع برای مقابله با این نظام جامع و معقول و جلوگیری از رواج روزافزون آن، تلاش می‌کنند با ترویج و تبلیغ تفاسیر نادرست و انحرافی از اسلام و تشیع و عظمت و شکوه این نظام را بشکنند و طرح ایده‌هایی مانند اسلام منهای مدیریت یا تفکیک مدیریت فقهی و مدیریت علمی و ادعای ناکارآمدی مدیریت فقهی، جدایی دین از سیاست، اسلام منهای روحانیت و بدتر و خطرناک‌تر از همه

این‌ها ایده‌درستی قرائت‌های متضاد و متعارض از دین، همگی در راستای همین نقشه‌شیطانی دشمنان است، که بانوی عارف انقلابی باهوش و درایت خود باید توطئه‌های دشمن را بخوبی تشخیص داده و با گفتار و کردار خود آن‌ها را خشتی نموده و معنویت و عرفان درست و حقیقی را به جامعه معرفی نماید.

نتیجه

باتوجه به تحقیق ارائه شده، از شاخصه‌های بانوی عارف انقلابی "پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب" است یعنی پایبند بودن به اسلام ناب که شامل محورهایی مانند یاد همیشگی خداوند متعال و اخلاص در عمل، ولایت-مداری در فکر و عمل و اتصال به امامان معصوم علیهم‌السلام، خودسازی و تهذیب نفس، محاسبه نفس و دائم به فکر آخرت بودن و انجام ریاضت‌های شرعی و تهجد و شب زنده‌داری، اعتقاد به پیشرفت و تحول و پرهیز از انحراف‌ها و عمل‌گرایی افراطی می‌شود.

شاخص‌های بعدی بانوی عارف انقلابی "محور قرار دادن مردم"، "پرهیز از تنبلی و محافظه‌کاری و ناامیدی" و "تسلیم نشدن در برابر فشارها" و "حساسیت در برابر دشمن" و "داشتن تقوای دینی و سیاسی" است که شامل محورهایی مانند دوری از فرقه‌گرایی و شهرت، محبت به همه انسان‌ها و احترام به انسانیت، دعوت به اجتماع و تعاون و ایثار، خوشبین بودن و زیبا دیدن همه چیز، تدبیر صحیح منزل و ایجاد نظم در زندگی، رعایت اعتدلال و دوری از مصرف‌گرایی، انجام فعالیت‌های فرهنگی و علمی، اشتیاق به تحصیل، استفاده از وقت و مطالعه مداوم، تفکر و تعقل و توجه، صبر و حلم در برابر ناملازمات، افزایش ظرفیت روحی و مبارزه با عرفان‌های کاذب و دفاع از عرفان شیعی می‌شود.

بنابراین بانوی عارف انقلابی همواره خود را در محضر حق می‌بیند و خوف و ترس او فقط برای خداست و اشتغال به ذکر الهی را غایت آمال خود می‌داند و در عمل و گفتار خود اخلاص دارد و تنها بر خداوند متعال توکل می‌ورزد.

او روح عرفان را "ولایت" می‌داند و با شناخت و دفاع از ولایت، در فکر و عمل، خداشناسی خود را به اوج می‌رساند. او به هیچ عنوان راحت‌طلب نیست و با تحمل ریاضت و مشقت و عمل به شریعت، به مبارزه با امیال نفسانی خود می‌پردازد تا بتواند مراحل سیر و سلوک را طی نموده و به کشف و شهود برسد و جمال و جلال خداوند متعال را دریابد. او دائماً در اندیشهٔ بهتر کردن اوضاع درونی خود می‌باشد و در عین حال دچار غرور و تکبر نمی‌شود. بانوی عارف انقلابی همهٔ انسان‌ها را با دیدهٔ محبت می‌نگرد و نسبت به هدایت افراد احساس مسئولیت دارد و در حدّ توان خود به رفع مشکلات مادی و معنوی افراد بشری می‌پردازد. او ظرفیت روحی بالایی دارد و تحمل درد و رنج برای او آسان است و همه چیز را زیبا می‌بیند. او همیشه به یاد مرگ است و به محاسبهٔ نفس خویش می‌پردازد.

بانوی عارف انقلابی همیشه از معنویت شیعی دفاع می‌کند و به مبارزه با عرفان‌های کاذب و معنویت‌های جدید و دنیایی می‌پردازد و با وجود این وظایف از مهم‌ترین مسئولیت‌های خود هرگز غافل نمی‌شود. او به خانواده بسیار اهمیت می‌دهد و در تربیت اسلامی فرزندان و توجه به نیازهای همسر هیچ کوتاهی ندارد و اجتماع را با سعه صدر به تعاون و ایثار دعوت می‌نماید. او دائماً به سمت پیشرفت حرکت می‌کند و در عرصه‌های علمی نیز پیشتاز است و وقت گرانبهای خود را به مطالعه مداوم اختصاص می‌دهد.

بانوی عارف انقلابی الگوهای بزرگی دارد. مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ایشان حضرت زهرا علیها السلام هستند که به حق بالاترین مقامات معنوی و مراحل تزکیه نفس و سیر و سلوک را طی کرده بودند و در عین حال بانوی انقلابی بودند چراکه در تمام مراحل زندگی خود از اسلام ناب و حقانیت امام و مقتدای خود امام علی علیه السلام دفاع کردند و حتی جان خویش را در این راه فدا کردند و با بیان خطبهٔ فدکیه نقشه‌های غاصبان خلافت را بر ملا نمودند. در ادامهٔ مسیر ایشان حضرت زینب علیها السلام بودند که با شجاعت خود، قیام و انقلاب امام حسین علیه السلام را به ثمر رساندند.

امروزه در دنیای معاصر نیز بانوان عارف انقلابی بزرگی به پیروی از حضرت زهرا علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام به جهان بشریت خدمت نمودند که یک نمونه از ایشان بانو سیده نصرت امین (مجتهده امین) هستند که همگام با انقلاب اسلامی و از شیفتگان و معتقدان به انقلاب و رهبری بودند. ایشان از زنان شایسته و متعهدی بودند که در عرصه‌های مختلف علم، فرهنگ و ادب و در جبهه‌های ایثار و تلاش، خودسازی و تزکیه منشأ آثار و برکات فراوانی بودند و در زمینه عرفان "مخزن العرفان" را نگاشتند و به دنیای عرفان خدمت نمودند. ایشان از بانوان عارف انقلابی بودند.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، (۱۳۷۸)، ترجمه جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱. ابن عربی، محی الدین، (۱۳۸۹)، ریاضت سالکین، قم: آل علی علیهم السلام.
- ۲. اسفندیاری، محمد، (۱۳۷۵)، بعد اجتماعی اسلام، قم: نشر خرم.
- ۳. امینی نژاد، علی، (۱۳۹۰)، آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۴. ابن یعقوب، احمد، (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.
- ۵. بهاری همدانی، محمد، (۱۳۶۱)، تذکره المتقین، تهران: نور فاطمه.
- ۶. بهجت، محمد تقی، (۱۳۸۸)، جرعه وصال، مشهد: مسجد و حسینیه الزهرا علیها السلام.
- ۷. باندر، کاترین، (۱۳۸۶)، چشم دل بگشا، ترجمه گیتی خوشدل، تهران: پیکان.
- ۸. حاجتی، میراحمد رضا، (۱۳۸۳)، عصر امام خمینی (ره)، چ دهم، قم: بوستان کتاب.
- ۹. حسینی، مریم، (۱۳۸۵)، نخستین زنان صوفی، تهران: علم.

۱۰. حکیمی، محمد، (۱۳۸۷)، دفاع از حقوق زن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۱. ژ.آ. هدفیلد، (۱۳۷۴)، روانشناسی و اخلاق، ترجمه علی پریور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. سویزی، مه‌ری، (۱۳۸۹)، جاذبه‌های عرفان اسلامی برای نسل جوان، تهران: وزارت آموزش و پرورش، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
۱۳. شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۱)، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، قم: پرتو ولایت.
۱۴. شیخ‌زاده، محمدجمعه، (۱۳۸۸)، سیره عملی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام در خانواده، قم: جامعه‌المصطفیٰ العالمیه.
۱۵. عرب، علیرضا، (۱۳۸۸)، تصوف و عرفان از دیدگاه علمای متأخر شیعه، مشهد: ضامن آهو.
۱۶. عطار نیشابوری، فریدالدین، (۱۳۸۳)، تذکره الاولیاء، تصحیح رینولد آلن نیکسون، چ دوم، تهران: اساطیر.
۱۷. فنایی اشکوری، محمد، (۱۳۸۸)، نیایش عارفان، قم: زلال کوثر.
۱۸. فعالی، محمدتقی، (۱۳۸۸)، آفتاب و سایه‌ها؛ نگاهی به جریان‌های معنویت‌گرا، قم: نجم‌الهدی.
۱۹. کاظمی خوانساری، ابراهیم، (۱۳۸۸)، ذکرهای شگفت‌انگیز عارفان، قم: عطر یاس.
۲۰. کاشانی، عبدالرزاق، (۱۳۷۶)، شرح منازل السائرین، ترجمه علی شیروانی، انتشارات الزهراء علیها السلام.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. مصباح‌یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۶)، در جستجوی عرفان اسلامی، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
۲۳. موسوی مطلق، عباس، (۱۳۸۹)، مظهر وصف خدا، قم: معارف معنوی.
۲۴. نصر، حسین، (۱۳۹۲)، جلوه‌های معنویت در جهان اسلام، ترجمه فاطمه شاه حسینی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.